بسم الله الرحمن الرحیم

تفسیر آیه دوم سوره مبارکه قدر 15/3/92

در حدیث طولانی از پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله) از مناجات حضرت موسی (علیه السلام) با خداوند هست که ویژگی هایی از شب قدر را بیان می کند. حضرت موسی از خداوند درباره یک سلسله نکات سوالاتی می کند؛ و خداوند متعال در جواب همه این نکات موسی را به شب قدر احاطه می دهد.

1. خدایا چه کسی به مقام قربت تو می رسد؟ و به چه وسیله ای می شود به آن رسید؟
* اعمالی که انجام می دهیم قصد قربت لازم است. یعنی هر عملی که انجام می دهیم باید قصد کنیم که بوسیله این عمل به خدا تقرب پیدا کنیم. در نماز واجب قصد قربت واجب است. در روزه در نوافل در زیارات لازم است. یعنی برای شما انگیزه دیگری در این عمل نباشد جز تقرب به خداوند.

« خطاب رسید: قربا لمن الستیقد لیله القدر - مقام تقرب من مال کسی است که شب قدر تا صبح بیدار باشد. »

1. حضرت موسی عرض کرد من در همه زندگی دنبال رحمت تو می گردم و می خواهم رحمت تو را درک کنم؟ به چه وسیله درک کنم؟

خطاب رسید: رحمتی لمن رحم المساکین لیله القدر - رحمت من تعلق دارد به کسی که در شب قدر به افراد مسکین، زمین گیر و فقیر رحم کند.

1. موسی باز عرضه داشت: خدایا من در تمام تصویری که نسبت به زندگی به آخرتم دارم و آن این است که عبور از صراط برای من خیلی مهم است.

چون عبور از صراط در عصه قیامت برای همه ایجاد مشکل می کند. یک دندانه وصلی است که از زندگانی برزخیمان تا زندگی ابدی ماست. آن زندگی ابدی یا در دل غضب خداست یا در دل رحمت خداست. و این عبور خیلی سخت است.

یک پلی از شمشیر برنده تر و از مو باریکتر، که البته شاید یک جریان فیزیکی به این شکل ممکن است نباشد و اگر باشد در صحرا محشر یک نمادی است که مربوط به دنیای ماست و اگر در دنیا از صراط عبور کنیم در آخرت هم عبور خواهیم کرد. و عبور از صراط در دنیا خیلی کار سختی است.

حضرت موسی پرسید: خدایا برای من عبور از صراط خیلی مهم است، چطور می شود که عبور از صراط برای من هموار بشود؟

« خداوند می فرماید: ذالک لمن تصدق لمن صدقه لیله القدر - عبور از صراط برای کسی هموار خواهد شد که در شب قدر به فقرا صدقه بدهد. »

1. موسی پرسید بهشت تو به چه کسی تعلق می گیرد؟ و چه کسی وارد بهشت تو خواهد شد؟

« خداوند می فرماید: ذالک لمن سبح تسبیحاً فی الیله القدر - بهشت من به کسی تعلق می گیرد که در شب قدر تسبیح کند مرا با تسبیحه ای. »

معنی آن این نیست که هر کسی در شب قدر هزار بار بگوید سبحان الله مقصود خداست خیر بلکه خدا می گوید: یک سبحان الله در شب قدر بگوید. حال آن چه سبحان اللهی است. همان که بر سر زبان بگوید آیا همان است.

یعنی انسان در شب قدر به این جمع بندی برسد که تمام تنظیم امور عالم در امشب به دست کسی است که او هیچ شباهتی در هیچ وجه اشتراکی با هیچ موجودی در عالم ندارد. مسائل سرنوشت من و عالم را کسی تعیین می کند که در گردونه این عالم نیست بلکه در گردونه ای ماوراء این عالم است. و البته همیشه می شود این باور را داشت. اما این در شب قدر مهم است.

1. موسی: نجات از دوزخ را می خواهم چه کنم که گرفتار جهنم نشوم؟

خطاب رسید: ذالک لمن استغفر لیله القدر - کسی از عذاب دوزخ نجات پیدا می کند که در شب قدر استغفار کند. و حسابش را با خدا تسویه کند.

1. خدایا من در زندگی دنبال رضای تو هستم؛ چه کنم که از من خوشت بیاید راضی باشی؟

خطاب رسید: من صلوه الله کعبین فی الیله القدر - رضای من مال کسی است که در شب قدر دورکعت نماز بخواند.

اما چه جور نمازی؟ همین نمازی که ما می خوانیم؟ آن نمازی که رضای خدا در آن باشد.که در تمام این نماز انواع و اقسام خضوع ها و عبادت ها را برای خدا انجام بدهد. با یک اعتقاد و تصمیم گیری قبلی. یعنی رکوع، سجود، قیام و تشهد و همه حالت ها را در دو رکعت نماز در شب قدر در مقابل خدا داشته باشد. بایستد در مقابل خداوند تعظیم کند که با عظمت تر از تو با اهمیت از تو چیزی در زندگی برای من نیست. این را باور کند تصمیم بگیرد. به خاک بیافتد در برابرت هیچم پوچم خاکم و بی ارزشم هیچ در برابر تو برای خودم و موقعیتی قائل نیستم. به زانو در بیاید در مقابل خدا.

اگر ما در زندگیمان این کارها را انجام بدهیم. این جور خدا را ببینیم جوری باشیم که از آن بالاتر کسی نیست. مقابل خدا خاک بشیم و تسلیم مشیت او باشیم. کسی دو رکعت نماز با این باورها در شب قدر بخواند من از او راضی می شوم.

نکته دوم:

* ابوذر خدمت پیامبر عرض کرد شب قدر مال ما مسلمان هاست؟ یعنی ما در برنامه سالیانه مان داریم؟

پیغمبر فرمودند در عهد همه انبیاء شب قدر بوده است، یعنی یک شب در سال همه انسان ها مقدراتشان مشخص می شود در همه دوره ها بوده است.

* سوال دوم این که چرا مشخص نیست این شب قدر با عظمت؟ دو علت را نقل کرده اند برای این که مخفی هست این شب؛

**علت اول:** اگر شب قدر یک شب بود، و همان یک شب برای عده ای امکانش نبود که بیدار باشند و عبادت کنند و نمی توانستند عبادت کنم. در نتیجه یک فرصتی را از دست می دادند و ناامید می شدند. برای همین سه شب مشخص شده است. و از نظر روحی بدانم که شاید من شب قدر را درک کرده باشم و خداوند عنایت دارد که آن شب را برای من شب قدر قرار می دهد.

**علت دوم:** اگر شب قدر مشخص می شد در آن شب اگر کسی معصیت خداوند می کرد، عذاب خدا نازل می شد. شبی که شمامی توانید سرنوشت خود را رقم بزنید و می توانید وصل به خدا بشوید حال مردم بیایند گناه کنند، این دهن کجی به خداست و برای همین شب قدر را مشخص نکردند.

تفسیر دیگری در مورد شب قدر داریم که خیلی قابل توجه است؛

این روایت از امام صادق علیه السلام است که در جلد 43 بهار نقل شده است.

از امام سوال می کنند: ماهیه الیل القدر؟ شب قدر چی هست؟ ام لیل فهی فاطمه و ام القدر فهی الله.

معنای شب زهرا ست (سلام الله علیها) و معنای قدر خداست.

این حدیث از دو سه جهت برای ما قابل تحلیل است.

**یکی این که**؛ وجود مقدس حضرت زهرا س شب خداست ... در این حدیث قدر را به معنای قضا و قدر نگرفته اند قدر را به معنای خدا گرفته اند.

یعنی فاطمه شب خداست! یعنی چه فاطمه شب خداست؟ و چرا؟

خصوصیتی که شب دارد این است که شب رنگ و لعاب وسایل مادی بشر در شب از بین رفته است. شما در شب به هر چه نگاه می کنید عظمت خدا را می بینید؟ مثل منظره دریا در شب منظره ستارگان و آسمان در شب عظمت خداست، مثل با نگاه به جنگل در شب عظمت خدا را می بینید؟

امام صادق (ع) می فرمایند مادرمان فاطمه زهرا (س) این خصوصیت را دارند. در هر بعدی از ابعاد وجودی حضرت زهرا س نگاه کنید خدا را می بینید، در علم زهرا در عبادت زهرا در شجاعت زهرا در سیاسیت مداری زهرا و در هر چی از وجود مقدس حضرت زهرا نگاه کنید خدا را می بینید.

**دومین نکته تحلیلی؟**

قرآن می گوید انا انزالناه فی لیله القدر - ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم. اگر شب قدر معنای زهرا باشد یعنی ما قرآن را در بر زهرا نازل کردیم.

این یعنی چه؟ دلالت بر این دارد که فاطمه (س) خاصیت وحی دارد. دختر پیغمبری حضرت پیامبر (ص) است. وحی را حضرت زهرا می شنیدند.

**داستان اول:**

در سن شش سالگی فاطمه زهرا (س) مادرشان خدیجه از دنیا رفتند. چون ایشان آخرین فرزند حضرت خدیجه بودند و خیلی علاقه مند بودند به مادرشان بودند. روزهای اول خیلی بی آرامی می کردند برای مادر.

یک روز که پیامبر وارد خانه شدند حضرت زهرا دویدند و به پدر عضه داشتند: یا ابتا این امی؟ بابا مادرم کجاست؟ پیامبر ماندند چه بگویند! جبرئیل نازل شد و به پیغمبر عرض کرد یا رسول الله به فاطمه بگویید که الآن مادرش در یک باقی است بین باغ آسیه و مریم در یک کلبه ای از نی است که دیوار های این کلبه از نقره است، سقف این کلبه از نی های طلاست و دو عمود این کلبه هم از یاقوت قرمز است.

جبرئیل وحیش که تمام شد و پیامبر خواستند بگویند به حضرت زهرا (س)، دیدن که فاطمه (س) یک لبخندی زدند و فرمودند: یا ابتا ان الله هو السلام و منه السلام و علیک السلام. یعنی من شنیدم جبرئیل چه گفت. صدیقه کبری (س) خاصیت وحی داشتند یعنی وحی را می شنیدند.

**داستان دوم:**

در روز های اول ازدواج امیر المومنین با حضرت زهرا یک روز امیر المومنین (ع) که وارد خانه شدند، وقتی ایشان وارد می شدند با صدای بلند سلام می کردند السلام علیکم یا اهل البیت. و حضرت زهرا در هر شرایطی که بودند کار را رها می کردند و می آمدند به استقبال شوهرشان با یک گشاده رویی و محبت زیادی از ایشان استقبال می کردند. این فرهنگ زندگانی ایشان بود.

روزهای اول زندگیشان بودند و به همین ترتیب حضرت تو اتاق بودند. کف اتاق را با ریگ فرش کرده بودند. و یک پوست تخت داشتند که شبها بچه ها را روی آن می خواباندند. یکروز حضرت امیرالمونین (ع) وارد خانه شدند و سلام کردند حضرت فاطمه (س) آمدند بیرون جلوی ایوان و جواب سلام را دادند و عرضه داشتند یا علی شما الآن مسجد بودید و در مسجد این آیه بر پیامبر (ص) نازل شد. و آیه را خواندند. حضرت با خود گفتند کسی قبل از آن به خانه نیامده و همین الآن نازل شده. حضرت زهرا (س) فرمودند کسی این سوال را از پیامبر پرسید و پیامبر اینجور جواب دادند، حضرت علی (ع) خیلی متعجب کردند. فاطمه زهرا (س) فرمودند: اگر من اراده کنم می توانم از علم اولین و آخرین برای شما بگویم. حضرت علی (ع) همانطور عقب عقب برگشتند به مسجد و خدمت پیامبر (ص). پیامبر تبسمی کردند و گفتند یا علی زود برگشتی؟ می گویی چرا؟ یا من بگویم که چرا زود برگشتی؟

حضرت فرمودند یا رسول الله الحدیث منک احسن. شما بگین خیلی بهتر است. و ایشان جریان را تعریف کردند.

پیامبر اکرم (ع) فرمودند: یا علی انا ابنتی فاطمه لفی الخیر السوابق

علی جان دخترم فاطمه از خیر سوابق، خیر سوابق کسانی هستند که اول ما خلق الله بودند. 5 نور مقدس که یکی از آنها حضرت فاطمه (س) بودند.

ما قرآن را بر فاطمه نازل کردیم نه اینکه فاطمه پیامبر بود نه اما چون هر وقت بر پیامبر قرآن نازل می شد فاطمه زهرا (س) هم می شنیدند.

لیله القدر خیر من الف شهر – امام صادق (ع) می فرمایند مقصود از الف شهر زمان حکومت بنی امیه است.

حکومت بنی امیه 1000 ماه طول کشید. یعنی مجاهدات فاطمه زهرا (س) کردند این مجاهدات قدرتش و نفوذش از آن هزار ماه بنی امیه خیلی بیشتر است. آن هزار ماه بی امیه هرکه بخواهد انحراف ایجاد و موجب سقوط مسلمانان بشود این یک شب قدر یعنی صدیقه اطهر آنها را جبران می کند. حقانیت اسلام ناب را جوری تثبیت می کند که تمام آثار مخرب آن هزار ماه از بین می رود.

والسلام علیکم و رحمه الله برکاته